

ترجمه پیمان هاشمی‌نسب

Gao Xingjian

گائو شینگجن

برنده نوبل ادبیات سال ۲۰۰۰

مسئولان آکادمی نوبل، گائو شینگجن نویسندهٔ ۶۰ سالهٔ چینی ساکن فرانسه را خالق آثار بی‌اعتبار و صفت جهانی می‌شناسند که با بینش و بصیرت طعنه‌آمیز و نوآوری‌های زبان‌شناختی افق‌های جدیدی را در آثارهای نمایشنامه و رمان چینی گشوده است. وی اولین نویسندهٔ چینی است که موفق به دریافت جایزه نوبل ادبی می‌شود (و به هنگام دریافت جایزه نصد هزار دلاری گفت: «این جایزه برای چینی‌ها چیز به ظاهر بالاهمیتی است زیرا در این کشور، نوبل همیشه موضوع ششم برانگیری است».

این نویسندهٔ ضعیف‌الجنه چینی به هنگام گفت‌وگو با خبرنگاران در آپارتمان‌اش در حومهٔ شهر پاریس گفت: «خبر برنده شدن جایزه که تلفنی به من گفته شد، مرا بسیار شگفت‌زده کرد. هم‌چنین به من اطلاع دادند تا خود را برای انجام نطقی چهل و پنج دقیقه‌ای آماده سازم، که به نظرم خیلی طولانی است».

نوشتن برای شینگجن همیشه چون عنصری رهایی‌بخش و خوشایند بوده است. وی در نخستین گفت‌وگو با خبرنگاران می‌گوید: «نوشتن، درد و رنج‌ام را تسکین می‌دهد. انسان می‌تواند با استفاده از کلمات، ذهن خویش را فعال و سرزنده نگه دارد. من از طریق نوشتن وجود و موجودیت خود را هر بار اثبات می‌کنم».

شینگجن که از فن نمایشی برتولت برشت، نوگرایی ادبی ساموئل بکت و پوچ‌گرایی اوزن بونستکو تأثیر گرفته، آثار ایشان را از زبان فرانسه به چینی ترجمه کرده است. غالباً وی را به عنوان یکی از برجسته‌ترین نمایشنامه‌نویسان مطرح در نیمه دوم قرن بیستم به شمار می‌آورند و به گفتهٔ منتقدان، او یکی از معدود نویسندگان چینی است که توانسته فراتر از کشورش، چین، گام بردارد و به درون خویش رجعت کند.

به گفتهٔ لئو لوفان لو، استاد ادبیات چینی دانشگاه هاروارد بعضی اوقات وی ارائه‌دهندهٔ آن چیزی است که از فاندیشی و بینش جهانی و جامع نام دارد ارتباط او با چین فقط به خاطر، تاریخ یا سیاست محدود نمی‌گردد شینگجن از تمام این مضامین به عنوان استعارات و نمایه‌هایی برای کندوکاو هر چه بیشتر معانی بهره می‌گیرد.

شینگجن تیمه فرانسه است و خود را با آگاهی تمام از سیاست چین دور نگه می‌دارد تا بتواند آزادانه و به طریقی بیندیشد که خودش مایل است. وی همسنان با زبان مادری‌اش با تسلط به زبان فرانسه نیز می‌نویسد. به گفته‌ی وی، چون اکثر نویسندگان معاصر چینی قادر به نوشتن به دو زبان نیستند از این رو شینگجن نویسنده‌یی بسیار نادر و فوق‌العاده است و جزو نخستین نویسندگان دو زبانه چینی می‌باشد.

نمایش‌های او آمیزه‌یی از تکنیک‌های نوین و امروزی اصول تئاتر سنتی چین است. نمایش سایه‌ها (۱) حایش از طریق انداختن سایه بازیگران بر پرده، نمایش‌های کهن که در آن بازیگران بر چهره خویش نقاب می‌زنند، رقص و موسیقی سنتی.

رمان‌های‌اش نیز آمیزه‌یی از سبک‌های گوناگون است، اما غالباً آثارش را می‌توان همچون تجلیل از روح مبارز انسان تعبیر کرد. به گفته سخنگوی آکادمی نوبل او یک انسان شکاک با ذکاوت و ژرف‌نگری است که در مورد توانایی خویش در توصیف و تفسیر جهان هیچ‌گونه ادعایی ندارد.

از میان نمایشنامه‌های معروف شینگجن می‌توان پایستگاه اتوبوس، ۲۰۱۹۸۳ را نام برد که یادآور در انتظار گودوی بکت است و توسط مقامات حزب کمونیست محکوم شد. یکی از اعضای برجسته حزب کمونیست چین این نمایشنامه را از مخرب‌ترین و زیانبارترین آثار نوشته شده از زمان بنیان جمهوری خلق چین دانست.

یکی از سیاسی‌ترین نمایشنامه‌های او فراری‌ها، ۲ است. یک داستان عاشقانه که ماجرای قتل عام Tian Square سال ۱۹۸۹ را بر ملا می‌کند. انتشار این اثر باعث شد تا او در چین به عنوان انسانی غیرقابل قبول و نامطلوب شمرده و عرضه آثارش در آن‌جا ممنوع شود.

رمان دکوه روح، ۴ معروف‌ترین رمان شینگجن اثری بلند، امپرسیونیستی (برداشت گرایانه) و تفکرآمیز که تأملی بر خلقت براساس پدیده‌روی ده ماهه شینگجن، در امتداد رود یانگتزه دارد. این اثر همچون گریزی از دیدگان مراقب دولت است. کتاب آمیزه‌یی از سبک‌ها و تکنیک‌های ادبی است که در آن، شینگجن از راویان مختلف با زاویه دید دایماً در حال تغییر استفاده می‌کند و داستان‌های مردمی را که در طول سفرش ملاقات کرده بازگو می‌کند. این اثر از آثار منحصر به فرد ادبی است که به ظاهر قابل قیاس با هیچ اثری جز خود نیست و در جایگاه

یک اثر کاملاً مدرن خودآگاهی قرار می‌گیرد. در جایی از رمان، راوی به طرزی نامربوط خود نویسنده و اثر را با بیان چنین جملاتی مورد انتقاد قرار می‌دهد: «تو با کمال بی‌دلتی یادداشت‌های مربوط به سفر، حرف‌های نامربوط و تحمیلی اخلاقی و پند و اندرز و احساسات، چیزهای با عجله نوشته شده، مشاهدات، گذشتگویی‌های فرضی، افسانه‌هایی که به اصل خود شباهتی ندارند را در کنار هم قرار داده‌ی، از برخی تراهه‌های محلی تقلید کرده‌ی، یک سری داستان‌های ساختگی و بی‌معنی‌ات را هم به آن افزودی و اسپاس را ادبیات داستانی گنجانیدی»

هر چند که نمایشنامه‌های او در سراسر جهان به روی صحنه رفته‌اند، اما رمان‌های او در ایالات متحده ناشناخته‌اند. حتی ترجمه انگلیسی رمان گروه روح وی فقط در استرالیا منتشر شده است. این اثر هنوز در ایالات متحده با بریتانیا به طبع نرسیده است.

اما اشتباه است اگر به او فقط عنوان یک نویسنده چینی اطلاق شود. هوارد گلدبلت، استاد زبان چینی دانشگاه کالرادو می‌گوید: «او انسانی روشنفکر و کاملاً اهل قلم است. علائق وی بر اساس وقایعی است که در چین اتفاق افتاده و پیش از هر چیز در خود نشان از حس انسانیت دارد. تنها مسهر او به سمت رهایی و آزادی از طریق نوشتن است، لذا هنگامی که به زبان چینی می‌نویسد، و زمان و مکان رخدادهای آثارش را در چین فرار می‌دهد، مایل است تا به عنوان نویسنده‌یی شهره گردد که برای مخاطبان بیشتری می‌نویسد.

هنوز تعداد کمی از چینی‌ها با آثار او آشنایی دارند. به مدت بیش از یک دهه است که هیچ اثری از او در کشورش به چاپ نرسیده، و پیش از آن نیز خود تحویل داشت تا بیشتر برای روشنفکران و اشخاصی که با تئاتر اوانگارد آشنایی دارند، شناخته شده باشد. به گفته دوونگ، ۷، سردبیر روزنامه انگلیسی زبان شانگهای دیلی، ۸، بهار تأسف برانگیز است که برنده جایزه نوبل یک نویسنده چینی است که در زادگاه‌اش کم‌تر کسی با نام او آشنا است.

چندین محقق از این که شینگجن به جای هم‌میهن مشهورترش بی دالو، ۹ شاعر دگراندیش، که با مقامات چینی برخورد و درگیری‌های بسیاری داشته، جایزه را تصاحب کرده اظهار تعجب و شگفتی کرده‌اند. معمولاً آکادمی نوبل جایزه ادبیات را حداقل تا چند سالی به شخصی که قبل از آن هم وطن‌اش موفق به دریافت آن گردیده، نمی‌دهد و این بدان معنا است که احتمالاً آقای بی، به این زودی‌ها موفق به کسب جایزه نوبل نخواهد شد.

به دنبال فارغ‌التحصیلی گائو از دانشگاه پکن در رشته زبان فرانسه، انگیزه شروع یک زندگی ادبی در وی به وجود می‌آید. اما در خلال انقلاب فرهنگی که در نتیجه آن روشنفکران به دلیل آگاهی‌شان مورد خشونت قرار گرفتند، شینگجن به یک کمپ بارآموزی فرستاده و مجبور شد به مدت شش سال بر روی زمین به انجام کارهای سخت بپردازد.

شینگجن می‌گوید: «زمانی که همسر مرا لو داد ناچار شدم مقادیر بسیاری از آثار اولیه خود - رمان‌ها، نمایشنامه‌ها و مقالات را بسوزانم که برایم بسیار آزارنده و ناراحت‌کننده بود. اما حتی هنگامی که نوشته‌هایم گویای چیزی، برخلاف مه‌ل‌ام بودند، باز در من انگیزه نوشتن وجود داشت. و اکنون روزانه شازده سامت را به نوشتن و نقاشی کردن می‌پردازم.»

شینگجن به فرانس پرس می‌گوید: «من همیشه در مورد نوشتن چنین وسواس فکری و اشتغال ذهنی را داشته‌ام. نگارش چیزی است که در چین سبب درد و رنج، و شوربختی من گردید، اما به هیچ عنوان قصد ترک آن را

ندارم. حتی به هنگام شرایط و اوضاع دشواری که در چین داشتم، بدون این‌که به فکر چاپ آثارم باشم، مخفیانه به نوشتن ادامه می‌دادم.

او تا قبل از سال ۱۹۷۹ نمی‌توانست آثارش را در چین به چاپ برساند و یا به خارج سفر کند. در خلال دهه هشتاد داستان‌های کوتاه، نمایشنامه‌ها، مقالات و کتاب‌های بسیاری نگاشت که به طور ناخواسته توجه مقامات و مسئولان را به خود جلب کرد. به عنوان مثال، مقاله‌یی در باب زیبایی‌شناسی که واقع‌گرایی اجتماعی مائو را مورد پرسش و ترحم قرار داد و مناظرات پرمخاطره، و پرچوش و خروشی را درباره مهرات فرهنگی مائو پدید آورد.

گائو سرانجام چین را در سال ۱۹۸۷ ترک کرد و یک سال بعد به عنوان پناهنده‌یی سیاسی در فرانسه سکنی گزید. وی پس از سرکوب نظامی تظاهرکنندگان تیان آن‌من در سال ۱۹۸۹، که در آن صدها نفر از غیرنظامیان به هلاکت رسیدند، از عضویت در حزب کمونیست صرف‌نظر کرد و تحت تأثیر آن واقعه اثر فراری‌ها را نگاشت. تاکنون هیچ‌کدام از نمایشنامه‌های او در چین به روی صحنه نرفته‌اند.

شینگجن می‌گوید: «من چین را به این خاطر ترک کردم تا بتوانم بی‌آن‌که برای خانواده و دوستانم هراسی ایجاد شود، آزادانه به بیان اندیشه خود بپردازم. من یک سیاستمدار نیستم و خود را درگیر مسائل سیاسی نمی‌کنم، اما این سبب نمی‌گردد که من از مشی چین کمونیست انتقاد نکنم. من آن‌چه را که می‌خواهم می‌گویم، اگر من در تمهید بودن را برگزیده‌ام، پس باید بتوانم بی هیچ قید و بندی نظر خود را آزادانه بیان کنم.

گائو نقاشی هم می‌کند. او تصویرگری روی جلد کتاب‌هایش را خود انجام می‌دهد و با آثار خود نمایشگاه‌های بسیاری را در سراسر جهان برپا کرده است.

پانویست‌ها:

1. Leo Ou-fan Lee
2. Bus Stop
3. Soul Mountain
5. Yangtze
6. Howard Goldblatt
7. Wu Zheng
8. Shanghai Daily
9. Bei Dao
10. Jiangou